

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

صحبت در استطاعت تمام شد و موانع استطاعت را هم عرض کردیم و عرض شد که در این مسئله البته روایات مختلفی وجود دارد، مثلاً کسی که منزل ندارد حج برود خداوند برای او مثلاً مقدر می‌کند، کسی که ضیق معیشت دارد به حج برود خداوند سعه رزق به او می‌دهد، نظیر این مسائل هست حتی در مورد ازدواج هم هست که حج باعث می‌شود که تسهیل در تزویج برای انسان حاصل بشود ولیکن خب ما این مطلب را از نقطه نظر حکم تکلیفی و فقهی و تخصصی عرض کردیم و روشن شد که نسبت به مسائل مختلف، قضیه مانعیت تفاوت می‌کند؛ و بنابراین ما حاصل مطلب در مورد استطاعت این شد که شخص اگر مستطیع بشود برای حج، نمی‌تواند به بهانه‌های مختلف حج را به تأخیر بیندازد و برای استطاعت باید تلاش کند؛ یعنی شخص مکلف از وقتی که به تکلیف می‌رسد باید برای کسب استطاعت تلاش کند مانند سایر واجبات، مانند واجبات مطلقه که مکلف برای تحصیل آن واجب باید به دنبال مقدمات وجودیّه او برود.

مرحوم صاحب فصول در تقسیمی که دارند واجب را به مقید و مشروط و امثال ذلک آن و مقدمه را به مقدمه علمیه یا مقدمه وجودیه و مقدمه موضوعیه تقسیم می‌کنند و مقدمات عقلیه و اینها، آن مقدمه وجودیه را از اطلاق خارج نمی‌کنند آن مأمور به را، بلکه مقدمات وجودیه بر عهده خود مکلف است به مولا هم کاری ندارد وقتی که مولا می‌گوید صلّ تحصیل مقدمات وجودیه برای صلاة بر عهده مکلف است و بر عهده مأمور است و به مولا کاری ندارد که فرض کنید که تحصیل طهارت مائیه باشد و همین طور طهارت ثوب باشد لباس مصلی باشد، اینها به مولا مربوط نیست.

و همین طور ما در توضیح این مطلب اگر نظرتان باشد در واجب مطلق عرض کردیم که، واجبی که تکلیفش مقید به وقت است از اطلاق خارج نمی‌کند بلکه وقت در آن جا ظرف وجود لحاظ شده است نه شرط برای موضوع، که شرط برای خود اصل آن وجوب باشد؛ وقتی که مولا می‌گوید، اکرم زیدا لیلة الخميس، از روز شنبه که می‌گوید این حکم گریبان مکلف را گرفته است، دیگر او نمی‌تواند مسافرت برود و بگوید من در قم نیستم تا این که بتوانم امر مولا را انجام بدهم، نخیر مولا پدر او را هم درمی‌آورد، می‌گوید در قم نیستی، کر که نبودی به تو گفتم که لیلة الخميس، شما در این زمان اکرام بکن، یعنی چه؟ یعنی بلند شوی بروی؟ پس امر من در این جا چه می‌شود؟ و تکلیفی که در این جا می‌کنم چه می‌شود؟ این همان مسئله‌ای است که خیلی از افراد و فقها را به اشتباه انداخته و بین واجب مطلق و مقید و واجب مطلق غیر وقتیه اشتباه کرده‌اند، در واجب مطلق هیچ فرقی بین واجب مطلق غیر وقتیه مثل این که فرض کنید در موقع صلاة، صلّ که الان حکم به واجب

می‌کند یا حکم به قبلش می‌کند این هیچ تفاوتی ندارد، چه الان مولا بگوید صلّ در وقت زوال چه مولا از صبح بگوید صلّ صلاة الظهر، هیچ تفاوتی در اینجا ندارد فقط وقتش این است که آن در همان لحظه آن حکم تعلق می‌گیرد، این حکم از پنج ساعت زودتر تعلق می‌گیرد هیچ فرقی نمی‌کند، لذا مکلف نمی‌تواند کاری انجام بدهد که خودش را از تحت تکلیف در بیاورد، چون از تحت تکلیف در نمی‌آید، مخالفت کرده، این طور نیست که از تحت تکلیف درآمده و این با آن وقت خودش را منطبق نکرده.

بنابراین وقتی که مولا می‌گوید اکرم زیدا لیلۃ الخمیس از الان باید او رفع موانع کند و از الان باید تحصیل مقتضیات و مقدمات کند؛ یعنی از روز شنبه، از روز شنبه باید برود مواد غذایی بخرد، از روز شنبه باید زمینه را آماده کند، از روز شنبه باید فرض کنید که افرادی که می‌خواهند بیایند منزلش فی لیلۃ الخمیس بگویند نیاید و موانع را رفع کند اینها چیزهایی است که بر عهده خود مکلف است که تحصیل مقتضیات و رفع موانع باید از همان موقع تعلق تکلیف باشد.

و این را هم خوب است بدانید در مورد شهر رمضان هم همین طور است «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم؛» یعنی در طول سال این یک ماه برای شما به عنوان رمضان جعل شد، این می‌شود واجب مطلق نه واجب مشروط به آمدن شهر رمضان، وقت واجب چیست؟ شهر رمضان است و شهر رمضان به عنوان احد مقدمات وجودیه در این جا مطرح است نه شرط خود نفس الوجوب و اصل الوجوب، اصل الوجوب به حال خودش باقی هست، لذا برای افرادی که می‌دانند برای شهر رمضان استطاعت و قدرت روزه ندارند مگر این که از ماهها قبل تمهید مقدمات کنند واجب است که این تمهید مقدمات را بکنند، کاری نکنند که برای آنها ضعف پیدا شود، مرض پیدا شود و مسئله‌ای که باعث شود که ماه رمضان از آنها فوت شود ماه رمضان برای آنها واجب است بای نحو کان، و لذا از این جا استفاده می‌کنیم که آیه شریفه که می‌فرماید «فمن کان مریضا منکم او علی سفر؛» یعنی سفرهای ضروری یا سفرهایی که شخص باید آن سفرها را انجام بدهد، اگر شخص می‌تواند این سفر را بعدا انجام بدهد نمی‌تواند در ماه رمضان انجام بدهد که آن سفر مخلّ بشود و همین طور افرادی که برای فرار از صوم آنها مسافرت می‌کنند این مسافرت می‌شود حرام، وقتی که این مسافرت حرام شد پس بنابراین این روزه از گردن آنها ساقط نمی‌شود بلکه در طول سفر هم آنها به حال روزه باقی خواهند ماند و اگر در آن سفر افطار کنند آن وقت باید کفاره بدهند؛ یعنی کفاره که همان ستین مسکینا او صیام ستین یوما باید باشد. چون سفری است که برای رفع تکلیف آن سفر انجام گرفته و آن سفر قطعاً سفر حرام خواهد بود، و سفرهای ضروری که انسان انجام می‌دهد و نیازی به آنها دارد از این مسئله خارج خواهد شد، خب این را هم ما عرض کردیم. روی این حساب خود اصل حج من اول وقت التکلیف مانند صوم شهر رمضان فی عامنا هذا و مانند وجوب صلاة فی یومنا هذا این وجوب حج بر عهده ما متعلق و مترتب خواهد

شد، نفس وجوب حج من اول اللحظة التكليف يتعلق بعنقنا حتى نقضى على، این وجوب حج که از ابتدای تکلیف بر ذمه مستقر می شود ایجاب می کند که مکلف به دنبال تحصیل مقدمات وجودیه آن برود، که تحصیل مقدماتش عبارت است از: استطاعت، استطاعت را باید از آن موقع شروع کند و برایش تحصیل کند یک مبلغی را مرتب کنار بگذارد تا این که به یک حدی برسد که آن حد بتواند حج را برای او ایجاب کند یا حتی می تواند قرض کند و بعد آن قرض را ادا نماید، اگر می تواند قرض کند و می بیند که اگر قرض کند، سر ماه می تواند قسطش را بپردازد در این صورت باز واجب است که این کار را انجام بدهد، همانطور که در روایات هم این مسائل را عرض کردیم. پس استطاعت شرط وجوب نیست بلکه شرط الوجود است و هیچ ارتباطی با وجوب اطلاقی حج ندارد مطلقاً این بحث تمام شد.

بحثی که شروع می کنیم، دیگر بحث راجع به خود حج است، بقیه مسائلی که به صحبت ندارد، زاد و راحله و تخلیه سرب و اینها صحبتهايش شده و نیازی به تکرار ندارد.

حج بر سه قسم است: یکی حج تمتع و یکی حج قران و دیگر حج افراد، البته ما باید بدانیم که قبلاً قبل از حج تمتع حج قران و افراد تشریح شده بود و رسول خدا حجی که انجام می دادند یا به صورت افراد یا به صورت قران بوده است. آن چه که از آیات استفاده می شود و همین طور از روایات وجوب برای مکلف به دو چیز تعلق گرفته است: یکی به حج تعلق گرفته است و یکی هم به عمره، «و اتموا الحج و العمره»؛ حج و عمره را باید به جای بیاورید، دو چیز در این جا است؛ یعنی دو تکلیف برای مکلف است یکی تکلیف به عمره و یکی هم تکلیف به حج برای مکلف است فلذا ما - البته روایات هم داریم و بعداً روایاتش را عرض می کنم - از همین نفس آیه و اتموا الحج و العمره می توانیم استفاده کنیم که اگر کسی استطاعت عمره را دارد ولی استطاعت حج را ندارد واجب است برود عمره را انجام بدهد، عمره مفرده انجام بدهد و نباید صبر کند که حالا بعدها این به حج برسد، دو تکلیف جدا است گرچه خب اینها با همدیگر مقترن هم می شوند در مورد حج تمتع اینها با همدیگر اقتران پیدا می کنند و باید عمره را به حج چسباند مثلاً در تمتع می گویند اصلاً یکی از معانی تمتع، متع است که به معنای طال است؛ یعنی به معنای طول دادن، چون کسی که عمره را در تمتع انجام می دهد این را می کشاند تا حج، این عمره اگر در اشهر حج انجام بشود، از اول شوال، این عمره کشیده می شود تا به حج وصل می شود و نمی شود بین عمره و بین حج از مکه خارج شد و باید در مکه بود تا آن که اعمال حج هم انجام بدهد، لیل ماع یعنی شبی که خیلی طولانی است از کشیدن و طولانی شدن می آید، این یکی از معانی آن است البته معانی دیگری هم دارد که تمتع به معنای خروج از احرام و تحلل و تمتع از نکاح و امثال ذلک است.

علی کل حال مسئله این است که دو چیز در این جا وجود دارد، دو تکلیف وجود دارد یکی تکلیف به

عمره است و یکی هم تکلیف به حج، اگر شخصی برود و عمره مفرده انجام بدهد این حاج است البته عمره تعبیر به حج اصغر شده است، این حاج است، و یک تکلیفش را انجام داده و یک تکلیف دیگر می ماند و آن عبارت از حج است به طور منفردا، وقتی که این شخص می رود به مکه عمره دیگر بر او واجب نیست، بلکه حج واجب است منتهی از آن جایی که هر شخصی که وارد مکه می شود باید معتمراً وارد بشود از آن باب این عمره او می شود عمره تمتع اما نه این که نفس عمره بر او واجب است، البته در باب حج تمتع اینها می آید در کیفیت حج، این یکی از مواردی است که محل اختلاف است در این جا

تلمیذ: کسی که قبلاً عمره انجام داده در حالتی که عمره قبلش یعنی عمره مفرده انجام داده می تواند از مکه خارج بشود چون ... عمره دوم مستحب می شود برای او؟

استاد: نه آن که واجب است.

تلمیذ: عمره که انجام داده قبلاً

استاد: نه این که واجب است با ورود شخص حاج به مکه این عمره واجب است.

تلمیذ: این عمره واجب است حالا شما فرمودید عمره را به این خاطر تمتع می گویند که می کشاند به تمتع.

استاد: بله.

تلمیذ: شخص عمره را در سال قبل انجام داده است.

استاد: چون نیت حج دارد نمی تواند خارج بشود، اگر نیت حج نداشته باشد بله، اگر نیت حج نداشته باشد یا این که منصرف می شود؛ مثلاً نیت حج دارد می آید عمره را انجام می دهد بعداً منصرف می شود یا این که اصلاً نیت حج ندارد، می داند بر این که امسال موفق به حج نمی شود مشکلی دارد به اصطلاح مسئله ای و مانعی دارد ولی می گوید من در ماه شوال می توانم عمره انجام بدهم حالا تا آن جا رفته بروم انجام بدهم این عمره باز می شود و عمره مفرده و مستحب می شود.

تلمیذ: می تواند خارج بشود از مکه؟

استاد: بله، چون قصد حج ندارد اگر قصد حج داشته باشد، با این که این عمره مستحب است ولیکن به خاطر دخول مکه واجب است ولیکن نفس عمره بله، نفس عمره را انجام داده گرچه این عمره در این جا دو حیثیت دارد: یکی حیثیت استحبابی دارد، چون عمره را قبلاً انجام داده، یک حیثیت وجوبی دارد برای کسی که وارد مکه می شود باید عمره انجام بدهد، ولو این که داخل مدینه باشد ولو افرادی که خود مکه هستند اگر یک ماه بیشتر طول بکشد از عمره اول تا عمره دوم کسی که از مکه خارج می شود وارد مکه می شود باید یک عمره انجام بدهد، خوب به این وجوبش کار نداریم، خود این عمره ای که انجام می دهد در ذات خودش که نیت

کرده است، این می شود عمره مستحب، مثل کسی که برود دو مرتبه عمره مفرده انجام بدهد، عمره انجام دادن در شهر حج او را از افراد خارج نمی کند، آن چه که از افراد می کند نیت حج است، نیت حج تمتع است که این عمره می شود عمره تمتع بها، بواسطه این عمره تمتع بها، کسی که نیت حج دارد دیگر نمی تواند از مکه خارج شود، کسی که نیت حج دارد، اگر نیت حج ندارد می تواند عمره انجام بدهد برگردد ولی کسی که نیت حج دارد بین عمره تمتع و بین حج نباید از مکه خارج شود، گرچه این عمره که انجام داده عمره مستحب بوده و عمره مفرده را قبلاً انجام داده است.

قبلاً حج قران و افراد بوده، حج قران به طور اجمال این است که حاج از هنگامی که از منزل خود خارج می شود با خودش هدی سوق بدهد، این اقتران قران هدی است البته بعضی گفته اند که قران عمره هدی هست، نه، این صحیح نیست، چون بعدش باید برود عمره انجام بدهد آن قران برای هدی آن را به عمره می آورند، چطور این که رسول خدا در حجة الوداع با خودش آن هدی سوق دادند و امیرالمؤمنین هم که نبودند و داستانش را هم دارید که آمدند و حضرت فرمودند که به چه نیتی شما احرام بستن حضرت فرمودند که من احرام بستم به همان نیتی که رسول خدا احرام بسته است خب امیرالمؤمنین که نیستند رسول خدا سوق هدی کرده یا نکرده لذا آن نیت را به همان کیفیت انجام دادند لذا حضرت فرمودند یکی از این شترها هم مال شما و شما سوق بدهید چون حضرت چند تا شتر با خودش آورده بودند؟

تلمیذ: صد نفر.

استاد: بله پنجاه تا می گویند، صد تا هم می گویند، پنجاه تا حداقلش بوده، با خودش آن حضرت امیرالمؤمنین را داخل در این قضیه کردند؛ یعنی در آن جا بود که وقتی آمدند و عمره انجام دادند، چون در حج قران شخصی که با خودش هدی سوق می دهد دیگر نمی تواند تقصیر کند باید عمره را انجام بدهد سعی صفا و مروه را انجام بدهد تقصیر نمی کند، چون از احرام بیرون نمی آید، از احرامش فقط در روز عید قربان بیرون می آید با آن ذبح یا نحری که قربانی می کند، بعد از سعی که کردند جبرائیل نازل می شود و حضرت فرمودند: که جبرائیل پشت من هست حتی اشاره هم کردند که در اینجا وجود دارد و می گوید که کسانی که با خودش آن هدی سوق ندادند تقصیر کنند و از احرام خارج بشوند و تا موقع حج می توانند تمتع کنند اینجا بود که حضرت فرمودند که: دیگر عمره و حج با هم داخل شدند دستهایشان را مشبک کردند در هم و گفتند که دخل العمرة و الحج الی یوم القیامه؛ که عمره تمتع و با حج تمتع در اینجا با هم یکی شد و بین اینها دیگر فاصله نیفتاد.

خب البته عمر هم آن جا بلند شد و اعتراض کرد و نپذیرفت و گفت که آنخرج حجاجا و رؤسنا.... مگر می شود که حاجی بیاید و بعد هم نکاح و اینها داشته باشد حضرت فرمودند: که انک لاتؤمن بهذا ابدا یکی از کلامهایی که پیغمبر فرمودند این مسئله بود که این اهل تسنن چطور می توانند به این جواب بدهند؟ که

حضرت فرمودند تو اصلاً به این ایمان نخواهی آورد لذا بعد از فوت پیغمبر و در زمان صدارت خودش ایشان گفت که متعتان کانتا محللتین فی زمن رسول الله و انا احرمهما و معاقب علیهما، همین متعة النساء و متعة الحج این ناظر به این قضیه است، لذا اهل تسنن این جا خیلی دست و پا می زنند تا این که یک جوری توجیه کنند، تأویل کنند این مسئله عمر را، که این جا چطور آمده این کار را انجام داده بعد حضرت در آن جا فرمودند اگر من خودم هدیه را سوق نمی دادم همین کار را می کردم که شما کردید ولی چه کنم که با خودم هدیه سوق دادم و حج من حج قران است لذا شما تقصیر کنید، - افرادی که هدیه سوق نداده بودند- و آنها حج خودشان را حج افراد تصور می کردند که عمره را انجام بدهند و همراه با عمره، حج را هم انجام می دهند اینجا عمره به عنوان عمره ورود به مکه و حجشان هم حج افراد است. البته خب تفاوت بین حج افراد و قران را عرض می کنیم، این افراد تقصیر کردند عمره آنها از عمره مفرده تبدیل شد به عمره تمتع عمره ای که می توانند انجام دهند چون اگر تقصیر نکنند به حال احرام باقی می ماند، سوأ که هدیه کرده باشد یا نکرده باشد. ولی از آن به بعد عمره تمتع وضع شد و ادامه پیدا کرد. سه نوع حج وجود دارد: یکی حج قران، که به اصطلاح سوق هدیه است، یکی هم حج افراد است، که آن هدیه را سوق نمی دهد و دیگر هم حج تمتع، که این مربوط می شود به افرادی که حالا خصوصیات دیگری دارند، دور هستند از بلاد و اینها هشت فرسخ یا دوازده فرسخ که بعداً عرض می کنیم انشاء الله

تلمیذ: اگر کسی برای انجام عمره مستطیع باشد باید به عمره برود یا باید صبر کند تا به حج مشرف بشود؟

استاد: اگر احتمال بدهد که مثلاً در سال بعد می تواند حج انجام بدهد باید صبر کند تا حج انجام بدهد ولی اگر تا چند سال بعد موفق به حج نمی شود باید برود عمره مفرده را انجام بدهد.

تلمیذ: اگر کسی برای مخارج نه خود حج بلکه برای هزینه جانبی، هدیه و سوغاتی مجبور بشود طلاهای خانمش را بفروشد به آن خمس تعلق می گیرد؟

استاد: برای سوغاتی و اینها نه، خمس ندارد چون آن هم جزء موهونه حج است.

تلمیذ: برای رمی شما نظرتان این است که از حرم نمی شود سنگ بردارند بپزند؟

استاد: از حرم نمی شود [چیزی] بیرون برد.

تلمیذ: از کجا باید سنگ جمع کند؟

استاد: از مشعر. البته امسال می گویند مشعر را حصار کردند نمی شود لذا از خود منی بردارند.

تلمیذ: اگر خود منی نشد؟

استاد: این همه سنگ ریخته در بیابانها خیلی از افراد در راه سنگهایشان می ریزد از توی راه که دارند

می‌روند مشخص است، سنگهایی که استعمال نشده.

تلمیذ: سنگهایی که می‌ریزد از کجا برداشته شده؟ از راه که برنداشتند، از منی برداشتند.

استاد: از هر کجا برداشتند فعلا در منی است این سنگ الان سنگ منی است.

تلمیذ: منی که خودش حرم است!

استاد: چه اشکال دارد از خود منی بردارند؟ سنگ باید از خارج حرم باشد، شما از عرفات نمی‌توانید بیاورید، باید از مشعر باشد یا از منی باشد یا مکه باشد، ولی از مکه نمی‌شود سنگ را برد در عرفات حرام است، اخراج اشیائی که در خود حرم است به خارج از حرم حرام است، لذا این کارهایی که الان انجام می‌دهند که از مکه برمی‌دارند سنگ را و می‌برند و خودشان خارج می‌کنند این کارها حرام است.

تلمیذ: عرفات جزء حرم است؟

استاد: نه خارج از حرم است.

تلمیذ: از آن جا می‌توانند بردارند؟

استاد: از عرفات نه، خارج از حرم است، نمی‌شود برداشت، سنگ باید از حرم باشد و این سرّ عجیبی دارد که سنگ غیر حرم را نمی‌شود در حرم زد، باید از خود حرم برداشت و زد اینها انشاءالله می‌آید.

تلمیذ: عمره سیدالشهدا از اول مفرده بوده است؟

استاد: نه اول عمره تمتع بوده و حضرت قصد حج داشتند وقتی قصد حج داشتند دیگر عمره مفرده نیست و لذا حضرت فرمودند که عمره را تبدیل به افراد کردند، تبدیل به افراد یعنی انصراف از حج در برگشت در حالی که در عمره تمتع اتصال شرط است، متصل بشود به حج هر عمره که بعدش حج نباشد آن عمره می‌شود مفرده.

تلمیذ: در ایام حج شخص غیر حاج می‌تواند خارج بشود؟

استاد: بله، وقتی که در حرم است که حج بر او واجب نیست، مثلا می‌تواند برود داخل حرم ولی قصد حج ندارد این فقط یک عمره انجام می‌دهد یا این که فرض کنید که می‌رود حرم ولی مکه نمی‌رود مثل کسی که کار دارد می‌رود دو فرسخی مکه یک دهی کار دارد کسی را ببیند مسئله دارد کسی که وارد مکه می‌خواهد بشود باید برود عمره انجام بدهد عمره به اصطلاح لازم است برای کسی که قصد ورود به مکه دارد نه ورود به حرم، کسی که قصد ورود به مکه دارد باید عمره انجام بدهد حالا اگر قصد حج دارد این می‌شود تمتع اگر قصد حج ندارد این می‌شود مفرده برمی‌گردد می‌رود.

تلمیذ: حتی اگر ایام حج باشد؟

استاد: حتی اگر روز هشتم یا نهم کاری به این ندارد کسی وارد حرم می‌شود ولی نمی‌خواهد برود حج

انجام بدهد، حتی روز دهم.

تلمیذ: حتی اگر حج هم نکرده باشد؟ چون مستطیع شده دیگر؟

استاد: اگر حج نکرده بله برای این که واجب می شود برای او.

تلمیذ: ولی از باب قریش نمی شود؟

استاد: نه.

تلمیذ: روایاتی که امر به تکرار حج می کنند حمل بر استحباب می شود؟

استاد: نه نه آن فرق می کند ما گفتیم حالا بعداً عرض می کنیم مثلاً اگر کسی را ببرند نه این که به او بذل

کنند حضرت می فرماید دوباره برود اینها تفاوت می کند یا این که فرض کنید که غلام است می رود حضرت

می فرمایند که دوباره انجام بدهد.

تلمیذ: افرادی که صاحب مکنت هستند چه؟

استاد: این که بله یجب علی کل عام علی اهل الجده این استبحاب است، استحباب مؤکد است.

اللهم صل علی محمد و آل محمد